عکس / غلامرضا شمس / ایرنا

مردم، نهادها و کشور همسایه در نبردی مشترک با شعله‌ها وارد عمل شدند

کمک به جنگل هیرکانی از تهران تا خرم آباد

گزارش

گروه زیست بوم / نادر نینوایی- آتش‌سوزی گسترده‌ای که دامنه‌های جنگل‌های انبوه اطراف روستای الیت در ارتفاعات میان‌کوهی نوشهر را دربرگرفت، تنها یک حادثه نبود؛ بلکه صحنه‌ای از نبردی تمام‌عیار میان شعله‌هایی بود که با وزش باد جان می‌گرفتند و مجموعه‌ای از نیروهای مردمی، امدادی و نظامی که ساعت به ساعت خود را به دل آتش می‌رساندند. چندین هکتار از جنگل‌های هیرکانی در معرض خطر قرار گرفته است؛ مناطقی شیب‌دار، صعب‌العبور و پوشیده از خاشاک خشک شده که پیشروی آتش را چندبرابر سریع‌تر می‌کند.

در همان ساعات ابتدایی، اهالی روستاهای الیت، کوشک‌تپه و مناطق اطراف با دلوهای آب، شاخه جاروب‌ها، آتش‌کوب‌ها و حتی پتوهای خیس شده به مقابله برخاستند؛ صحنه‌هایی که نشان می‌داد مردم برای نجات جنگل‌هایشان حتی یک دقیقه هم صبر نکردند. در کنار آنان، نیروهای منابع طبیعی، یگان حفاظت، هلال‌احمر و بسیج محلی در قالب نیروهای عملیاتی وارد منطقه شدند، اما آتش در ارتفاعات ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ متری؛ جایی که دسترسی زمینی تقریباً ناممکن بود، با هر وزش باد تغییر مسیر می‌داد و عملیات زمینی را به چالش می‌کشید.

شدت و گستردگی حریق به حدی رسید که ستاد بحران استان مازندران، پس از ارزیابی خطر، درخواست پشتیبانی هوایی داد. ظهر چهارشنبه، هواپیمای ایلوشن-۷۶ ارتش، غول آب‌رسان ۴۰ تنی، از پایگاه هوایی به پرواز درآمد و طی چند نوبت پرتاب آب، بخش‌های فعال حریق را هدف گرفت. هر بار رهاسازی، حدود ۴۰ هزار لیتر آب را روی تاج‌پوشش‌های شعله‌ور درختان جنگل الیت فرو می‌ریخت؛ اما بادهای مقطعی و شیب تند منطقه، باعث می‌شد خاموشی کامل نیازمند تکرار عملیات باشد. همزمان بالگردهای هوانیروز نیز برای انتقال نیرو، جابه‌جایی تجهیزات و رصد نقاط کانونی آتش، وارد عمل شدند.

با وجود این حمایت‌ها، سختی عملیات همچنان ادامه دارد؛ آتش در برخی نقاط به صورت لکه‌ای فعال می‌شود، مسیرهای کوهستانی اجازه انتقال ادوات سنگین را نمی‌دهد و دود غلیظ، دید خلبانان را محدود می‌کند.

عملیات بزرگ

پس از آغاز آتش‌سوزی در الیت مرزن‌آباد، صحنه عملیات با سرعت به یک بسیج تمام‌عیار نهادی تبدیل شد؛ تمرکزی که هسته اصلی آن بر هماهنگی میان منابع طبیعی، مدیریت بحران، وزارت دفاع، ارتش، سپاه، هلال‌احمر و دستگاه‌های محلی شکل گرفت. بر اساس گزارش‌های رسمی، نیروی عملیاتی از منابع طبیعی، محیط‌زیست، کوهنوردان، نیروهای مردمی، شوراهای محلی و گروه‌های امدادی در منطقه مستقر بودند. این ترکیب با حضور ۴۰ گروه تخصصی از استان‌های مازندران، تهران، سمنان و گیلان تکمیل شد؛ نیروهایی که با مأموریت‌های مشخص شامل مهار زمینی، پایش هوایی، ایجاد خطوط آتش‌بُر، امداد، پشتیبانی و کنترل گسترش شعله‌ها به کار گرفته شدند.

در سطح هوایی نیز گسترده‌ترین ظرفیت سال‌های اخیر فعال شد: ۶ فروند بالگرد از سپاه، ارتش و هلال‌احمر که همزمان مأموریت‌های انتقال نیرو، پرتاب آب، جست‌وجوی هوایی و تخلیه مصدومان را برعهده داشتند. هلال‌احمر تنها در دو روز، ۸ مرحله آبگیری و تخلیه آب در نقاط بحرانی ثبت کرد. در کنار بالگردها، نقش محوری عملیات بر عهده هواپیمای ایلوشن ۴۰ تنی قرار گرفت؛ هواپیمایی که تاکنون دو پرواز مؤثر با تخلیه محموله‌های سنگین آب انجام داده و بنا بر دستور وزارت دفاع، تا زمان خاموشی کامل آتش، پروازهای آن ادامه خواهد داشت. همچنین قرار است دو هواپیمای آتش‌نشان دیگر برای تقویت عملیات به الیت اعزام شوند.

در محور امداد و پشتیبانی، هلال‌احمر تاکنون ۱۷ تیم امدادی با ۶۴ نیروی تخصصی را وارد میدان کرده و حجم گسترده‌ای از اقلام امدادی شامل ۱۲۴ پتو، هزاران بطری آب، ۲۱۴۶ قرص نان، کنسرو، چادر امدادی و تجهیزات حفاظتی میان تیم‌ها توزیع کرده است. گزارش‌ها همچنین از مصدومیت ۲۰ نفر از همیاران طبیعت در جریان عملیات حکایت دارد که بیشتر آنها در محل درمان شده‌اند.

خطر سقوط سنگ و درخت روی نیروها

مجید ذکریایی، فرمانده یگان حفاظت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور در خصوص زمان شروع آتش‌سوزی اخیر در جنگل‌های الیت مازندران به «ایران» گفت: «آتش‌سوزی در دو نقطه روی داد که یک نقطه اطفا شد اما نقطه بعدی این بار در ۲۵ آبان‌ماه شروع شد و هنوز در این نقطه دوم درگیر مهار آتش‌سوزی هستیم.»

وی در پاسخ به این پرسش که تاکنون چه اقداماتی جهت مهار آتش‌سوزی به انجام رسیده است، گفت: «روزانه ۱۶۰ نفر در قالب ۱۶ تیم، مرکب از نیروهای محیط‌زیست، منابع طبیعی، کوهنوردان و نیروهای محلی در محل آتش‌سوزی و با کمک تجهیزات و زیر نظر سرگروه‌ها مشغول فعالیت هستند. بخشی از عملیات به صورت زمینی بوده و «آتش‌بر» زدیم و اطفای حریق دستی انجام دادیم که با توجه به اینکه منطقه درگیر حریق، شیب بسیار تندی داشته و صخره‌ای است و نیز در بعضی جاها خطر سقوط درخت و سنگ روی نیروها وجود دارد و ممکن است به سبب حرارت بالا سنگ‌ها ترکیده و از ارتفاع روی نیروها سقوط کند، لذا یک مقداری عملیات اطفا با دشواری مواجه است. در نظر داشته باشید که اولویت در بحث اطفای حریق بحث امنیت جانی نیروهاست و تلاش داریم نیروهای ما آسیب ندیده و تلفات جانی ندهیم.»

عملیات هوایی برای اطفای حریق

فرمانده یگان حفاظت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور با اشاره به اقدامات برای اطفای هوایی آتش گفت: «روز گذشته ۵ فروند بالگرد اعم از بالگردهای هلال‌احمر و هوافضای سپاه در محل آتش‌سوزی حاضر شدند که سه دستگاه از این بالگردها اطفای حریق انجام می‌دادند اما وجود دود بسیار غلیظ و شیب تند دره، موانعی هستند که دشواری در جریان عملیات ایجاد می‌کنند. شخصاً دو بار در منطقه پرواز کردم و باید بگویم خلبان‌ها دید کافی ندارند. دو پرواز نیز انجام شد که با وجود تمام دشواری‌ها، در هر بار پرواز ۴۰ هزار لیتر آب روی نقاط هدف ریخته شد که در خصوص اطفای حریق کمک شایانی کرد.»

وی افزود: «اکنون در منطقه هستیم و نهادهای مختلف نیز در اینجا حاضر هستند و برنامه‌ریزی برای ادامه عملیات در حال انجام است و امید داریم آتش را مهار کنیم. واقعیت این است که وضعیت توپوگرافی منطقه نیز شیب تند صخره‌ای است و علت آنکه عملیات مقداری فرسایشی شده، همین است. نیروهای ما از روز اول تمام تلاششان را کرده اند و البته نیروهای داوطلب مردمی نیز به کمک آمدند و همه پای کار هستند. با این همه، شرایط منطقه به گونه‌ای است که کف جنگل خشک بوده و منطقه صخره‌ای است و دسترسی نیروهای امدادی با مشکل مواجه شده است. جاده‌ای هم وجود ندارد و اگر هلی‌برن نکنیم، حداقل ۴ تا ۵ ساعت طول می‌کشد که نیروها با پای پیاده به منطقه هدف برسند.»

> در جریان آتش‌سوزی در جنگل‌ها یکسری اتفاقاتی می‌افتد که غیرقابل پیش‌بینی است. به عنوان نمونه در این آتش‌سوزی درختانی که «دیرزیستی» دارند و داخل تنه آنها خالی شده است، وقتی لاش‌برگ‌های کف جنگل آتش می‌گیرد، این لاش‌برگ‌های سوخته وارد شیارهای درختان می‌شود، در نتیجه این درخت به شکلی مانند یک لوله بخاری عمل می‌کند و به واسطه آتشی که در عمق آن ایجاد می‌شود، شکسته و با سرازیر شدن از شیب تند منطقه مثل یک ترکش خمپاره مناطق فرودست را به آتش می‌کشد

چالش‌های اطفای حریق

فرمانده یگان حفاظت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور در پاسخ به این پرسش که چه زمان آتش به طور کامل اطفا می‌شود، گفت: «در جریان آتش‌سوزی در جنگل‌ها یکسری اتفاقاتی می‌افتد که غیرقابل پیش‌بینی است. به عنوان نمونه در این آتش‌سوزی درختانی که «دیرزیستی» دارند و داخل تنه آنها خالی شده است، وقتی لاش‌برگ‌های کف جنگل آتش می‌گیرد، این لاش‌برگ‌های سوخته وارد شیارهای درختان می‌شود، در نتیجه این درخت به شکلی مانند یک لوله بخاری عمل می‌کند و به واسطه آتشی که در عمق آن ایجاد می‌شود، شکسته و با سرازیر شدن از شیب تند منطقه مثل یک ترکش خمپاره مناطق فرودست را به آتش می‌کشد.»

وی ادامه داد: «مسائل فنی اینچنینی، نیروهای ما را با مشکل مواجه کرده است که در مواردی مردم متوجه آنها نیستند و تصور می‌کنند این آتش‌سوزی یک چیز سطحی است. در نظر داشته باشید که ارتفاع برخی صخره‌ها به ۲۰ تا ۳۰ متر می‌رسد و حالت پلکانی داشته و با شیب ۸۵ تا ۹۰ درجه به سمت پایین می‌آیند و این دشواری‌ها وجود دارد.»

کوهنوردان و صخره‌نوردان آمدند

فرمانده یگان حفاظت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور در پاسخ به این پرسش که آیا در جریان اطفای حریق از نیروهای داوطلب و مردمی نیز استفاده شده یا خیر، گفت: «در این مدت مردم محلی خیلی به ما کمک کردند؛ برخی اسب و قاطرشان را آوردند و در آب‌رسانی به ما یاری رساندند. بعضی از مردم منطقه و دامداران، مسیرهای دسترسی محلی را بلد بودند و در زمینه مسیریابی کمک کردند. جالب است بدانید از تهران، خرم‌آباد و سایر مناطق کشور هم برای مهار آتش‌سوزی به یاری آمدند و هیأت‌های کوهنوردی و صخره‌نوردان در محل برای کمک به مهار آتش، حاضر شدند. داوطلبان شهرهای دیگر را با جوامع محلی در قالب گروه‌هایی ترکیب کردیم که کمک می‌کنند و انصافاً باید گفت مردم پای کار هستند. همین حضور مردمی باعث دلگرمی نیروهای ما می‌شود و آنچه خستگی را از تن بچه‌های ما می‌زداید، همین حضور پررنگ مردم است.»

این مقام مسئول با اشاره به حضور استاندار، معاون محیط زیست و خودش به عنوان فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست سازمان منابع طبیعی در محل آتش‌سوزی، این اطمینان را به مردم داد که همه این نهادها و مسئولان در میدان هستند. ذکریایی در پایان با اشاره به سختی‌ها در عملیات مهار آتش‌سوزی در جنگل‌ها این اطمینان را به مردم داد که تمام توان و امکانات برای کمک به مهار آتش به کار گرفته می‌شود و گفت: «همان هواپیمایی که برای مهار آتش‌سوزی بندر شهید رجایی استفاده شد، دو بار از تهران آب‌گیری و در منطقه آب‌پاشی کرد و رفت. چنین اقدامی تاکنون در حوزه جنگل‌های هیرکانی سابقه نداشته است. با این همه باید بپذیریم با توجه به اینکه خیلی از یخچال‌های طبیعی منطقه از بین رفته و گرمای هوا و تغییر اقلیم وجود دارد، لذا سطح جنگل خشک است و همین امر مستعد هر گونه آتش‌سوزی می‌شود. توجه داشته باشید در این جنگل‌ها گاهی در کف زمین تا ۷۰ سانتی‌متر برگ‌های خشک و لاش‌برگ وجود دارد که مستعد آتش‌سوزی‌های سطحی در کنار سوختن درخت‌های «دیرزیست» و تنوره گرفتن آتش در بدنه این درخت‌های توخالی، عملاً موجب تشدید حریق می‌شود.»

همیاری کشور همسایه

نکته قابل توجه حادثه آتش‌سوزی جنگل‌های هیرکانی، مشارکت فعال جامعه محلی، نیروهای امدادی و حتی جامعه بین‌المللی در پشتیبانی از عملیات بود. در تازه‌ترین اقدام، دولت ترکیه با اعزام دو هواپیمای تخصصی اطفای حریق، یک بالگرد و هشت نیروی متخصص، نشان داد همیاری در مقابله با بحران‌های محیط‌زیستی می‌تواند فراتر از مرزها باشد. این اقدام نه‌تنها ظرفیت عملیاتی را افزایش داد، بلکه به تقویت روحیه نیروهای داخلی و تسریع مهار آتش کمک کرد. در مجموع، تجربه جنگل الیت نمونه‌ای ارزشمند از همیاری جامعه مدنی، نهادهای دولتی و جامعه بین‌المللی است. ترکیب تلاش‌های داوطلبانه مردم، هماهنگی دقیق نهادهای داخلی و استفاده هوشمندانه از ظرفیت‌های خارجی، الگویی کارآمد برای مدیریت بحران‌های محیط‌زیستی در ایران ارائه می‌دهد و عیان می‌کند که مقابله مؤثر با حوادث طبیعی، تنها با همکاری چندجانبه و مدیریت یکپارچه ممکن است.

بـرش

گستردگی حریق، پای هواپیماهای ترکیه را به اطفای حریق باز کرد

روسیه نیز برای کمک اعلام آمادگی کرد

زیست بوم- ۲۱ روز از آتشی که به جان جنگل‌های هیرکانی - این میراث کم‌نظیر و ثبت‌شده در فهرست جهانی یونسکو - افتاده می‌گذرد؛ آتشی که در دو مرحله عرصه‌های جنگلی روستای الیت مرزن‌آباد را درگیر کرد و با وجود مهار بخش عمده آن، هنوز تنه‌ای کمتر از یک هکتار شعله‌ور مانده است. گستردگی حریق، گرمای هوا و صعب‌العبور بودن شیب‌ها باعث شد عملیات هوایی و زمینی به اوج برسد و در نهایت پای هواپیماهای اطفای حریق ترکیه به عملیات باز شود؛ همزمان روسیه نیز برای کمک اعلام آمادگی کرده تا این بحران طولانی‌شده هرچه زودتر پایان یابد.

استفاده از هواپیماهای اطفای حریق ترکیه در عملیات مهار آتش‌سوزی جنگل‌های الیت، به گفته شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، به دلیل توان بالای این هواپیماها در پرواز در ارتفاعات پایین است؛ قابلیتی که در شرایط پیچیده و توپوگرافی صعب‌العبور جنگل‌های چالوس اهمیت حیاتی دارد. انصاری تأکید می‌کند که همکاری‌های بین‌المللی زمانی معنا پیدا می‌کند که هر ابزار بتواند دقیقاً همان‌جایی عملیاتی شود که اتکای صرف بر تجهیزات داخلی ممکن است پاسخگوی سرعت گسترش حریق نباشد. به همین دلیل، هماهنگی با ترکیه و حتی اعلام آمادگی روسیه بخشی از راهبرد چندلایه برای مهار بحران است. به گفته او، آتش‌سوزی‌ها همچنان به‌صورت لکه‌ای در شیب‌های مختلف جنگل دیده می‌شود و وزش باد، این لکه‌ها را تهاجمی‌تر می‌کند. انصاری توضیح می‌دهد که تمامی دستگاه‌ها، از مدیریت بحران تا نیروهای محلی، به‌طور هماهنگ پای کار هستند و در جلسه‌ای مشترک با استاندار، منابع طبیعی و نهادهای امدادی، نیاز به تقویت تجهیزات مطرح شده است. گزارش وضعیت نیز در جلسه اخیر هیأت دولت ارائه و برای اعزام بیشتر بالگرد و هواپیما پیگیری شده است.

در حال حاضر دو فروند هواپیمای ایلوشن که سپاه آنها را در اختیار عملیات قرار داده، از صبح دیروز یک نوبت آبگیری و آبپاشی انجام داده‌اند و برای مرحله دوم آماده می‌شوند. علاوه بر این، شش بالگرد نیز در مهار آتش‌های لکه‌ای فعالیت می‌کنند. انصاری می‌گوید: «حدود ۴۰۰ نفر از محیطبانان، جنگل‌بانان، نیروهای محلی، هلال‌احمر و ستاد بحران در منطقه مستقرند و روند اطفا به‌صورت شبانه‌روزی دنبال می‌شود. در حوزه همکاری‌های خارجی، با هماهنگی وزارت امور خارجه، دو هواپیمای اطفای حریق از ترکیه به همراه یک بالگرد و هشت نیروی تخصصی دیروز وارد عملیات شدند.» او اضافه می‌کند که در صورت تشدید شرایط، ظرفیت‌های روسیه نیز قابل بهره‌برداری است. ایلوشن‌ها روز گذشته دو نوبت و دیروز با دو فروند فعال، چهار نوبت آبپاشی انجام دادند؛ هر بار حدود ۴۰ تن آب. با وجود این، به دلیل شیب تند، گرمای هوا و انباشت لاشه گیاهی، آتش‌سوزی همچنان در برخی نقاط پابرجاست. انصاری در پایان تأکید می‌کند که مجموعه ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی برای مهار کامل آتش به کار گرفته شده و امید می‌رود با این همکاری چندجانبه، باقی‌مانده حریق نیز در کوتاه‌ترین زمان خاموش شود.

یادداشت

پاییز البرز می‌سوزد، تابستان زاگرس

زهرا کشوری
دبیر گروه زیست بوم

دولت هشتم یا نهم بود؛ سالی که جنگل‌های هیرکانی پنجاه روز بی‌وقفه سوخت تا سرانجام باران پاییزی به داد این فسیل زنده رسید. خبرنگارانی که برای تهیه گزارش به جنگل‌های هیرکانی در گلستان رفته بودند، با دو بالگرد به فراز جنگل‌ها برده شدند تا از نزدیک شاهد پایان عملیات اطفای حریق باشند؛ عملیاتی که در آن، نقش آسمان بیش از هر چیز دیگری دیده می‌شد، چون زور جنگلبان‌ها و مردم با آن تجهیزات اندک به شعله‌های آتش نمی‌رسید. پاییز که می‌شود، برگ‌های خشک هیرکانی این جنگل‌ها را به انباری از باروت تبدیل می‌کند. همان روز و درست در لحظه‌ای که خبرنگاران بر فراز هیرکانی بودند، جنگل دوباره در برابر چشمان اصحاب رسانه آتش گرفت. رئیس وقت اداره‌کل منابع طبیعی و آبخیزداری، در پاسخ به این سؤال اصحاب رسانه که پرسیدند حالا چه باید کرد؟ تنها گفت: «دو بالگردی که امروز اجاره شده‌اند، همین حالا مشغول حمل خبرنگاران هستند!»

آن روز یادم نیست چه کسی جنگل را آتش زده بود؛ آیا مانند همین آتشی که بیش از بیست روز است به جان درختان هیرکانی افتاده از گور یک شکارچی بی‌ملاحظه زبانه کشیده بود؟ پاسخی ندارم. اما خبرنگارانی که از آن سفر بازگشتند، از خاموش‌کردن جنگل‌های چندمیلیون‌ساله با بیل و دبه آب نوشتند. «تیتر» آن گزارش‌ها، فرمانده وقت یگان حفاظت منابع طبیعی را رنجانده بود. او گلایه می‌کرد که تلاش‌های خودش و نیروهایش نادیده گرفته شده‌اند؛ نیروهایی که چاره‌ای جز رفتن به جنگی نابرابر با بیل و دبه آب نداشتند.

اما آن سفر مطبوعاتی و ده‌ها گزارشی که خبرنگاران پس از آن سفر در رسانه‌های مختلف منتشر کردند، کار خودش را کرد؛ لااقل صدای سوختن جنگل‌ها را به گوش بهارستان‌نشین‌ها رساند. فرمانده وقت یگان دوباره با خبرنگار روزنامه تماس گرفت و گفت: «کاری که ما چهار سال نتوانستیم بکنیم، شما با گزارش‌هایتان انجام دادید. مجلس بودجه ایجاد پایگاه اطفای حریق را مصوب کرد.»

اولین پایگاه اطفای حریق در کرمانشاه راه‌اندازی شد، هرچند هرگز به خرید یا مالکیت بالگردهای آب‌پاش نرسید. پیش از آن روز و پس از آن روز، تا همین امروز، هر تابستان که زاگرس می‌سوزد و هر پاییز که آتش به جان هیرکانی می‌افتد، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری و حفاظت محیط‌زیست باید برای تأمین بالگرد به سمت وزارت دفاع، سپاه و هلال‌احمر دست دراز کند. موافقت که می‌شود، تا انجام کارهای اداری و هماهنگی با نهادها و بخش‌های مختلف، بخشی از زاگرس و البرز طعمه حریق شده اند.

اما از آن پایگاه اطفای حریق هم هرگز کاری برنیامد؛ انگار که هرگز تشکیل نشده باشد و معلوم نشد چرا و چگونه تعطیل شد.

همان سال‌ها بود که سازمان حفاظت محیط‌زیست وقت هم به سمت خرید هواپیمای آب‌پاش برای اطفای حریق مناطق تحت مدیریت خود در زیستگاه‌های جنگلی رفت؛ برنامه‌ای که با سقوط یک هواپیما و مرگ خلبان متوقف شد. باقی هواپیماهایی هم که خریداری شده بود، آن‌قدر در آشیانه‌ها ماندند تا کلاً برنامه به بایگانی رفت. پس از آن، دولت یازدهم آغاز به کار کرد و دولت روحانی نیز تدوین طرح جامع اطفای حریق جنگل‌ها را روی میز برد. آن طرح هم سازمان محیط‌زیست و منابع طبیعی را صاحب پایگاه اطفای حریق نکرد که بتواند چند بالگرد را در چنته داشته باشد.

جنگل‌های هیرکانی اما در سال ۱۳۹۸ در یونسکو ثبت شدند تا به نام میراث طبیعی بشری در حافظه جهان باقی بمانند. این تنها جنگل‌های هیرکانی باقی‌مانده هستند که ۹۸ درصد از وسعت آنها در ایران و دو درصد دیگر در جمهوری آذربایجان قرار دارد. جنگل‌های هیرکانی اروپا را، دو جنگ جهانی برای همیشه از روی زمین محو کرده و آن سایه سبزی که اکنون روی اروپا گسترده شده، جنگل‌های دست‌کاشتی است که به جای هیرکانی اروپا نشسته‌اند. اما آن ثبت جهانی ارزشمند هم هیرکانی را صاحب یک پایگاه اطفای حریق کارآ نکرد.

حالا هم جنگل‌های هیرکانی بیش از ۲۰ روز است که درگیر حریق‌اند. رضا افلاطونی، رئیس سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری، می‌گوید منطقه حفاظت‌شده الیت در جنگل‌های هیرکانی نیازمند یک پایگاه اطفای حریق دائمی است.

این ضرورت کلان‌تر از یک منطقه است؛ جنگل‌های ایران نیازمند پایگاه اطفای حریق دائمی هستند که هر لحظه لازم باشد، بالگردی از آن بلند شود. وقتی ۵۰ درصد آب شیرین کشور از جنگل‌های زاگرس تأمین می‌شود، امنیت غذایی کشور در گرو جنگل‌های زاگرس و هیرکانی است. آیا نباید یک بار برای همیشه این تلخی بی‌پایان را نوشت؟ آیا در سرزمینی خشک و نیمه‌خشک چون ایران نباید ارزش این لکه‌های سبز را بیش از پیش دانست؟

هر کسی که در این سرزمین زندگی کرده باشد، می‌داند که پاییز که می‌رسد، هیرکانی می‌سوزد و تابستان که می‌آید، زاگرس شعله‌ور می‌شود؛ این بازی طبیعت ایران است. اما چرا هر بار باید منتظر فاجعه ماند و سپس دست به کار شد؟ آتش‌سوزی جنگل‌ها، هرچند در کشور ما تا ۹۰ درصد عامل انسانی دارد، در کشورهای دیگر نیز اتفاق عجیبی نیست. اتفاق غریب، فقدان آمادگی برای مقابله با آتشی است که هر بار ابتدا مردم محلی به داد آن می‌رسند و تا رسیدن بالگرد، بخشی از جنگل خاکستر می‌شود. این فقدان آمادگی تاکنون جان بیش از ۱۷ نفر را گرفته است. علاوه بر این، خسارت جانی در زمانی که فرونشست به جان دشت‌ها افتاده و تغییر اقلیم خشکسالی را به جان جغرافیای ایران انداخته و از بین رفتن بخشی از سبزینگی کشور، خسارت جبران‌ناپذیری است.